مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.

همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمداً اطلاعات غلط و تحلیل‌های جهت‌دار گنجانده است.

مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

ارنست مونیز سلاح مخفی آمریکا در مذاکرات با ایران

The Washington Post

استیون مافسون: می‌توان گفت عنوان شغلی «وزیر انرژی آمریکا» تا حدی اسمی بی‌مسما بوده است، زیرا تقریباً دوسوم بودجه وزارت انرژی آمریکا صرف مواردی می‌شود که هیچ ربطی به انرژی ندارد! در عوض، این بودجه‌ها در فعالیت‌هایی از قبیل نگهداری از زرادخانه هسته‌ای آمریکا و پاکسازی زباله‌های رادیواکتیو از تأسیسات قدیمی تولید سلاح‌های هسته‌ای این کشور، هزینه می‌شود. در ماه‌های اخیر، مذاکرات هسته‌ای آمریکا با ایران باعث شده «ارنست مونیز» فیزیکدان دانشگاه «ام‌آی‌تی» از شغل نسبتاً پشت پرده و ساکتش، ناگهان به وسط معرکه و کانون توجهات رسانه‌ها پرتاب شود، دولت اوباما امیدوار است نظرات کارشناسانه مونیز درباره توافق هسته‌ای با ایران بویژه در رابطه با مسائل فنی آن، به آن دسته از اعضای نگران و عصبی کنگره، اطمینان دوباره در رابطه با توافق هسته‌ای ایران بدهد، زیرا اعضای کنگره طی ارزیابی‌های خود، این توافق را سبک-سنگین خواهند کرد. «کارول براونر» یکی از مقامات کاخ‌سفید در دوره اول ریاست جمهوری اوباما گفت: «یکی از ویژگی‌های مونیز این است که می‌تواند موضوعات فنی بسیار پیچیده را به زبان ساده، به نحوی که افراد غیرکارشناس نیز آن را به‌خوبی درک کنند، توضیح دهد. این ویژگی مونیز برای دولت اوباما بسیار حائز اهمیت است، زیرا کاخ‌سفید باید قادر باشد مفاد توافق هسته‌ای با ایران را برای اعضای کنگره با شفافیت و روشنی هرچه تمام‌تر تشریح کند تا نظر مثبت آنان را به تایید این توافق جلب کند». هنگامی که ایران تصمیم گرفت علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی این کشور را به مذاکرات هسته‌ای اعزام کند، دولت آمریکا نیز مونیز را به این مذاکرات فرستاد. صالحی نیز از دانشگاه ام‌آی‌تی فارغ‌التحصیل شده است و در آنجا روی راکتورهای نوترون سریع مطالعه و تحقیق می‌کرده است. با این حال، صالحی و مونیز در دانشگاه ام‌آی‌تی باهم آشنا نشدند ولی اکنون با زبان فنی مشابهی با یکدیگر صحبت می‌کنند و روند مذاکرات فنی را در خلال گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران به صورت روان‌تر پیش بردند. این دو نفر (صالحی و مونیز) در رأس گروه‌های کوچکی از کارشناسان (ایرانی و آمریکایی) باهم مذاکره می‌کردند. علاوه بر این، مونیز و صالحی ساعت‌ها در ملاقات‌های ۲ نفره رودررو باهم صحبت کرده‌اند که باعث شد سایر مذاکره‌کنندگان بر سایر موضوعات مجزای غیرفنی، مانند نحوه کاهش تحریم‌ها، تمرکز کنند. صالحی در برخی موارد از منتقدان مذاکرات هسته‌ای بود و از این رو، شرکت دادن او در این مذاکرات به عنوان تلاش ایران برای دستیابی به توافقی مورد قبول همه، ارزیابی شده است. مونیز هنگامی که پس از مذاکرات لوزان به واشنگتن بازگشت به این مساله اشاره کرد و گفت: «نقش ما اصولا این بود که ابعاد فنی این توافق را حل و فصل کنیم. اگر ما بتوانیم این کار را انجام دهیم، قادر خواهیم بود آن بخش (فنی) را از ابعاد سیاسی توافق منفک کنیم». البته وزارت خارجه آمریکا، غیر از مونیز، از کارشناسان آزمایشگاه‌های مختلف ملی آمریکا نیز استفاده کرده است. در ضمن مونیز خودش نیز از گروه کارشناسان وزارت انرژی آمریکا کمک گرفته است. وی از این کارشناسان و همچنین آزمایشگاه‌های ملی آمریکا خواسته است محاسبات درباره زمان مورد نیاز ایران برای تولید اورانیوم با غنای بالا برای تولید سلاح هسته‌ای را بار دیگر بررسی کنند تا از صحت نتایج آن (که ایران به یک سال زمان برای تولید سلاح هسته‌ای نیاز دارد) مطمئن شوند. مونیز از گروه‌های کارشناسی موسوم به «تیم‌های قرمز» استفاده کرده است تا با دقت کامل تلاش کنند متوجه شوند آیا شرایط توافق هسته‌ای قابل دور زدن و تخطی (توسط ایران) هست یا خیر؟

کارشناسان فنی آمریکایی که بعضاً از آزمایشگاه‌های یادشده به لوزان اعزام شده و در معیت هیأت مذاکره‌کننده آمریکایی بودند، پس از آنکه در اواخر شب، کار مذاکره‌کنندگان سیاسی تمام می‌شد تا صبح مشغول به کار بودند تا تمام مسائل مطرح‌شده در مذاکرات سیاسی را از لحاظ فنی ارزیابی کنند و قبل از آنکه مذاکره‌کنندگان سیاسی در صبح روز بعد از خواب بیدار شوند، نتایج بررسی‌های خود را با آنان در میان بگذارند، زیرا ممکن بود در مذاکرات روز بعد به آن نیاز پیدا شود. یکی از کارشناسان فنی آمریکایی گفت: «من ۳ روز کاری پی‌درپی ۲۲ ساعته داشتم، زیرا هر شب تا دست‌کم بعد از ساعت ۴ صبح بیدار و مشغول بررسی‌های فنی بودم و روز بعد نیز ساعت ۸/۵ صبح در مذاکرات در کنار هیأت مذاکره‌کننده آمریکایی حضور داشتم تا به هر نوع سوال جدید که ممکن است در خلال مذاکرات پیش آید، پاسخ دهم». مونیز گفت: «وظیفه اصلی ما این است که به ابعاد مهم فنی بپردازیم. مثلاً تلاش کنیم دریابیم برنامه هسته‌ای ایران چند سال دیگر چه شکلی خواهد داشت و آیا ملزومات ما را درباره شفاف‌سازی و اعتمادسازی در رابطه با ماهیت صلح‌آمیز این برنامه برآورده خواهد کرد یا نه؟ ما باید همواره بدانیم آیا برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب توافق امضاشده (در صورتی که امضا شود) به‌پیش می‌رود و اگر چنین نیست، زمان کافی به آمریکا و متحدانمان بدهیم که اگر نیاز به واکنش به حرکات ایران داشته باشند، بتوانند پاسخی درخور و مناسب به آن بدهند».

«باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا نیز گهگاه در تشریح مذاکرات هسته‌ای ایران و دادن اطمینان به اعضای کنگره به نقطه‌نظرات مونیز و سایر کارشناسان هسته‌ای آمریکا اشاره می‌کند و می‌گوید این افراد حقیقتاً در رابطه با موضوعات فنی این مذاکرات از اطلاعات کافی برخوردارند. اوباما با مطرح کردن این مساله تلاش دارد نشان دهد دولتش در مذاکرات هسته‌ای با ایران، همواره از رایزنی با کارشناسان آمریکایی که به جزئیات فنی این گفت‌وگوها اشراف دارند، بهره می‌برده است.

واشنگتن‌پست

توهم رسانه‌های غربی درباره سوریه ادامه دارد

THE HUFFINGTON POST

لیونل بینر: پایان درگیری‌ها در سوریه نزدیک است. این یکی از تیترهای خوش‌بینانه است که در برخی منابع خبری غربی از جمله «گاردین» و «واشنگتن‌پست» دیده می‌شد. گزارش‌هایی هم از جبهه مخالفان در سوریه از جمله جبهه‌النصره وجود دارد که گفته می‌شود این شبه‌نظامیان شهرهای بیشتری در ادلب را به تصرف خود درآورده‌اند که به تردیدها درباره اینکه رژیم اسد آخرین نفس‌های خود را می‌کشد، دامن می‌زند. هر چند این خبرها دلگرم‌کننده است، اما مشکل اینجاست که ما در گذشته نیز خبرهایی از این دست بسیار شنیده‌ایم. بارها تحلیلگران غربی نشانه‌های افول قدرت اسد را مطرح کرده بودند و تنها چند ماه بعد از آن خبرها حاکی از نیرومندتر شدن اسد بود. بیایید جولای ۲۰۱۲ را به یاد بیاوریم، یعنی زمانی که ۴ عضو کلیدی در دولت اسد توسط شورشیان کشته شدند. در آن زمان روزنامه «استراتفور» تیتر زد: «به پایان بازی در سوریه نزدیک می‌شویم». «فایننشال تایمز» هم نوشت: «دیگر این وضعیت دوام نخواهد داشت. او بزودی و به شکلی از صحنه خارج می‌شود». با همه این حرف‌ها و با وجود اعلام پیروزی‌های متعدد توسط شبه‌نظامیان در سوریه و گروه‌های خارجی، همواره شاهد تداوم حضور اسد در قدرت بوده‌ایم. به این ترتیب می‌توان گفت همه آنچه درباره سقوط احتمالی بشار اسد گفته می‌شود، اغراق‌آمیز است.

هافینگتون‌پست

برخی اعضای ان‌پی‌تی برای احیای مسأله خلع سلاح تلاش خواهند کرد

آندرو ویولاز: کشورهای امضاکننده پیمان ممنوعیت گسترش تسلیحات هسته‌ای اوایل ماه مه در نیویورک برای احیای مساله خلع سلاح هسته‌ای تلاش کردند؛ در حالی که روابط بین ۲ قدرت بزرگ هسته‌ای یعنی آمریکا و روسیه متشنج شده است و مذاکرات با ایران مرحله حساسی را می‌گذراند.

محمدجواد ظریف و جان کری، وزیران خارجه ایران و آمریکا در مراسم افتتاحیه این کنفرانس که ویژه پیگیری پیمان ممنوعیت تسلیحات هسته‌ای است، حضور داشتند و در حاشیه این کنفرانس، مذاکراتشان را درباره چارچوب توافق هسته‌ای که اوایل آوریل درباره برنامه هسته‌ای جنجال‌برانگیز تهران در لوزان سوییس به دست آمد، پیگیری کردند. این توافق که قرار است تا پایان ژوئن تکمیل شود، یکی از خبرهای خوش اخیر در زمینه مبارزه با گسترش تسلیحات هسته‌ای است. یک دیپلمات غربی گفت: «توافق لوزان تاثیری مثبت» بر مناقشات درباره پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (ان‌پی‌تی) خواهد داشت. وی افزود: «تلاش می‌کنیم به یکی از ۲ بحران بزرگ در این زمینه پایان دهیم». وی به بحران کره شمالی نیز اشاره داشت. ۱۹۰ کشور جهان عضو پیمان ان‌پی‌تی هستند که در سال ۱۹۷۰ اجرایی شد و هر ۵ سال یکبار اعضای این پیمان کنفرانسی برای پیگیری اجرای آن برگزار می‌کنند. بین دولت‌هایی که به طور رسمی یا غیررسمی سلاح هسته‌ای در اختیار دارند، فقط هند، پاکستان و اسرائیل این پیمان را امضا نکرده‌اند. ۵ قدرت هسته‌ای امضاکننده این پیمان عبارتند از: آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلیس و چین. کره شمالی در سال ۲۰۰۳ از این پیمان خارج شد و از آن زمان ۳ آزمایش هسته‌ای انجام داده است. دیپلمات‌ها و کارشناسان از به دست نیامدن پیشرفت در ۳ سرفصل این پیمان شامل نوع سلاح‌ها، تحقیق درباره ماهیت صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای کشورها و استفاده صلح‌آمیز از اتم، از زمان کنفرانس قبلی در ماه مه ۲۰۱۰ تاکنون ابراز ناامیدی می‌کنند. کنفرانس سال ۲۰۱۰ با تصویب برنامه‌ای بلندپروازانه به پایان رسید که اجرای آن به تعویق افتاده است. نمایندگانی که در نشست نیویورک حضور یافتند، پیشرفتی را که باید در سال‌های آینده به دست آید بررسی کردند. «آنجلا کین» نماینده ارشد سازمان ملل متحد در امور خلع سلاح گفت: «در مسیری که به جهان بدون سلاح هسته‌ای منجر می‌شود، درجا می‌زنیم». وی افزود: «کشورهایی که دارای سلاح هسته‌ای هستند به قول خود برای کاهش زرادخانه‌شان عمل نمی‌کنند». این مسؤول سازمان ملل به سرخوردگی فزاینده کشورهای غیرهسته‌ای که «احساس می‌کنند جدی گرفته نمی‌شوند» و به خطری که این مساله برای «اعتبار» ان‌پی‌تی دارد اشاره کرد. «گرت ایوانز» وزیر سابق خارجه استرالیا که ریاست کمیته بین‌المللی منع گسترش هسته‌ای را برعهده دارد، از «زمینگیر شدن و حتی عقبگرد» سخن گفت. این بدبینی ناشی از تلاش‌های زیادی است که واشنگتن و مسکو برای نوسازی زرادخانه هسته‌ای خود انجام می‌دهند. ولی یک مسؤول وزارت خارجه آمریکا گفت این کشور «از سال ۱۹۶۷ -زمان اوج جنگ سرد- تاکنون تعداد کلاهک‌های هسته‌ای خود را ۸۵ درصد کاهش داده» و آن را از ۳۱ هزار و ۸۰۰ کلاهک به ۴۲۰۰ کلاهک رسانده است. دیپلمات‌ها احتمال شکست این کنفرانس را مانند کنفرانس سال ۲۰۰۵ که نمایندگان کشورها نتوانستند درباره سند نهایی به توافق برسند بعید نمی‌دانند. ۲ مشکل وجود دارد که ممکن است موجب شکست این نشست شود: تنش آمریکا و روسیه بر سر اوکراین و جدال بین اسرائیل و کشورهای عربی بر سر طرح خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای. یک دیپلمات متخصص در این پرونده گفت: «تنش بین روسیه و آمریکا خبر خوبی برای از سرگیری مذاکرات درباره خلع سلاح بین مسکو و واشنگتن نیست» که از سال ۲۰۱۱ متوقف شده است. وی این مساله را برای کنفرانس پیگیری ان‌پی‌تی، نگران‌کننده دانست. در بیانیه پایانی کنفرانس سال ۲۰۱۰، تشکیل نشستی در هلسینکی در سال ۲۰۱۲ درباره عاری‌سازی منطقه خاورمیانه از سلاح هسته‌ای پیش‌بینی شد ولی این نشست هیچ‌گاه برگزار نشد. اسرائیل که به گفته کارشناسان، دارای ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای است، از شرکت در چنین نشست‌هایی تا زمانی که توافق صلح در منطقه امضا نشده باشد، خودداری می‌کند. ایوانز گفت: «مصری‌ها که این مساله را محور تلاش‌های خود در سال ۲۰۱۰ قرار دادند تمایلی به استفاده از این اهرم برای به شکست کشاندن کنفرانس سال ۲۰۱۵ نشان ندادند».

خبرگزاری فرانسه

افراد ناشایست، حکومت بر آمریکا را برعهده دارند

مارک هنسن: «مارکو روبیو» نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ استدلال کرد در ۲ دوره رهبری «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا، تردیدهایی درباره فوق‌العاده بودن و برتر بودن آمریکایی‌ها به وجود آمده است. روبیو در نشست ائتلاف آزادی و عقیده در شهر واکویی واقع در ایالت آیوا با ابراز نگرانی از مسیری که این کشور در پیش گرفته است، اظهار داشت: «افرادی ناشایست، بر آمریکا حکومت می‌کنند». وی در ادامه افزود: «بسیاری از افرادی که در صدر امور هستند، حقایق اساسی و بنیادین درباره آمریکا را فراموش کرده‌اند». روبیو تاکید کرد: «کشور ما در آستانه قرن آمریکایی است و این قرن آمریکایی با برگرداندن صفحه و عبور از رهبران دیروز امکانپذیر است». این نامزد جمهوری‌خواه متعهد شد تنها یک رهبر خوب است که می‌تواند عزت مردم آمریکا را به آنها بازگرداند. روبیو اذعان کرد: «ما در گذشته رؤسای‌جمهوری بد و دولت‌های بد داشته‌ایم و من معتقدم باید به این نسل وعده داده شود که پیام آمریکا بیش از پیش برای افراد بیشتری فرستاده می‌شود». روبیو در ادامه از سیاست خارجی و اقتصاد اوباما انتقاد کرده و آن را عامل نگرانی‌ها درباره فرسایش نفوذ آمریکا توصیف کرد. این قانونگذار فلوریدایی استدلال کرد اولین چیز و مهم‌ترین چیز برای مردم آمریکا بازار کار است. وی در ادامه ادعا کرد: «سازگاری با قرن بیست و یکم به معنای فهم این است که اتوماسیون اداری و تکنولوژی در نهایت، ماهیت کار را تغییر داده است». روبیو بعد از آن به انتقاد از سیاست‌های اوباما در صحنه جهانی پرداخت. او ادعا کرد آمریکا در زمینه برنامه انرژی هسته‌ای ایران، گام‌های اشتباه برداشته است. وی تاکید کرد: «ما نمی‌توانیم کشور قدرتمندی باشیم، اگر با متحدان خود دمدمی‌مزاج رفتار کنیم و با دشمنان خود مسامحه کنیم». او همچنین به انتقاد از تفاوت تعامل اوباما با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم ایران پرداخت و اظهار داشت: «رئیس‌جمهوری چطور می‌تواند به آیت‌الله در ایران بیش از متحدان ما در اسرائیل احترام بگذارد». او از وضعیت جهانی اینگونه نتیجه‌گیری کرد: «همواره شرارت وجود داشته است، اما تاکنون اینقدر گسترده و با شیوه‌های مختلف نبوده است». او گفت: «اگر به‌عنوان رئیس‌جمهور آینده آمریکا انتخاب شوم، کشور را در عرصه بین‌المللی به درجه رفیع‌تری سوق خواهم داد». وی در ادامه با اشاره به مساله مهاجران اظهار داشت: «من به آمریکا به دلیل اینکه از خانواده مهاجرم با آغوش باز استقبال کرده است، مدیونم». او گفت: «من به آمریکا یک بدهی دارم که هرگز نمی‌توانم آن را پرداخت کنم و آن پذیرش پدر و مادر کوبایی من بوده است».

پایگاه‌اینترنتی‌هیل

فشار بر مذاکرات هسته‌ای، به آزادی جیسون رضاییان کمک نمی‌کند

THE WALL STREET JOURNAL

هاله اسفندیاری: سناتورها «مارکو روبیو» و «مارک کرک» از دولت اوباما خواسته‌اند هرگونه معامله هسته‌ای نهایی با ایران را به آزادی «جیسون رضاییان» خبرنگار «واشنگتن‌پست» و دیگر آمریکایی‌هایی که در بند رژیم ایران هستند، مشروط کند. اما اگر این پیشنهاد جدی گرفته شود، به احتمال زیاد بیشتر توافق را از بین می‌برد تا اینکه موجب آزادی آمریکایی‌های ایرانی‌تبار از زندان شود. «حسن روحانی» رئیس‌جمهور ایران و «جواد ظریف» وزیر خارجه و مذاکره‌کننده ارشد ایران، ممکن است کاملا خواهان آزادی جیسون رضاییان باشند تا ببینند یکی از موضوعات دیگری که بر روابط آمریکا و ایران سایه افکنده، حل شده است اما آنها قدرتی برای تصمیم‌گیری در این باره ندارند. روحانی، قوه‌قضاییه را کنترل نمی‌کند. این سازمان که بر همه بازداشت‌ها نظارت دارد و آقای رضاییان و دیگر زندانیان آمریکایی را متهم می‌کند، به آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر عالی ایران پاسخگو است. او آیت‌الله صادق لاریجانی رئیس تندرو قوه‌قضاییه و آیت‌الله غلامحسین محسنی‌اژه‌ای دادستان کل ایران را منصوب کرد. پیوند زدن مذاکرات هسته‌ای -که اکنون موفقیت آن در دسترس می‌نماید- با آزادی زندانیان، فقط آب به آسیاب تندروهای ایران ریختن است. وزارت اطلاعات با حمایت قوه‌قضاییه می‌تواند آقای رضاییان را به علل مختلف نگه دارد. برخی مسؤولان ایرانی در فکر «ثابت کردن» این مساله‌اند که دولت آمریکا از خبرنگاران، فرهیختگان و تحلیلگران برای توطئه به منظور براندازی جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. یکسری تندروهای شناخته‌شده در این سازمان‌ها، فکر می‌کنند ایران بیش از حد در مذاکرات هسته‌ای امتیاز داده است و برای تضعیف توافق به دست آمده، تلاش می‌کنند. آنها می‌خواهند مانع توافق هسته‌ای بین ایران و جامعه بین‌الملل شوند؛ توافقی که قطعا به دنبال خود توسعه روابط با آمریکا، افزایش سرمایه‌گذاری آمریکا و اروپا در ایران و گشایش در جامعه مدنی ایران را خواهد داشت. برخی از این افراد از شرایطی که بتواند این دورنما را بشکند، استقبال می‌کنند. کسانی که می‌خواهند به جیسون کمک کنند، باید بر بین‌المللی کردن رسانه‌ای زندانی بودن او تمرکز کنند. پس از آنکه من در طول سفرم به ایران در سال ۲۰۰۷ بازداشت شدم و به زندان اوین و حبس انفرادی منتقل شدم، «لی همیلتون» مدیر وقت مرکز ویلسون (که من همچنان در آنجا کار می‌کنم)، از طریق واسطه‌هایی کارآمد به ایران نزدیک شد. این اقدام مفید واقع شد. تبلیغات علنی نیز یک عامل تاثیرگذار بود. ادامه بازداشت من، وجهه ایران را خراب می‌کرد. تمرکز امروز رسانه‌ها بر حبس جیسون رضاییان و دیگران به آنها نیز کمک خواهد کرد.

وال استریت ژورنال

گسترش نارضایتی از هزینه‌های هنگفت رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا

THE INDEPENDENT

رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ از مدت‌ها قبل آغاز شده است: اگرچه هنوز بیش از ۱۸ ماه تا خط پایان باقی است ولی هزینه‌ای که صرف خواهد شد، گیج‌کننده است. در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سال ۲۰۱۴ احزاب و نامزدها بالغ بر ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار هزینه کردند. این‌بار که موضوع کاخ‌سفید مطرح است، این رقم به مراتب بالاتر خواهد بود و احتمالا به ۵ میلیارد دلار یا بیشتر بالغ خواهد شد. ۴۰ سال قبل در میان انزجار عمومی از طمع‌ورزی‌های فاش‌شده با رسوایی «واترگیت» این روند ظاهرا تغییر کرد. کمک‌های سیاسی محدود شد و یک نهاد نظارتی قدرتمند موسوم به «کمیسیون انتخاباتی فدرال» همراه با یک سیستم تامین هزینه‌های عمومی انتخابات بویژه با پول‌های مالیات‌دهندگان تاسیس شد. اما این تدابیر با یکسری تصمیمات دیوان عالی خنثی شده است که معروف‌ترین آنها حکمی در سال ۲۰۱۰ در لغو ممنوعیت صرف هزینه‌های سیاسی توسط شرکت‌ها و اتحادیه‌ها بود. ۲ حکم دیگر در واقع چراغ سبزی برای کمک‌کنندگان مالی ناشناس بود و محدودیت کمک‌های شخصی را لغو کرد. در عوض ابزارهای جدیدی برای صرف هزینه‌های انتخاباتی موسوم به کمیته‌های اقدام سیاسی (پی‌ای‌سی) به شکل قارچ‌گونه‌ای گسترش یافته که ظاهرا مستقل از احزاب یا نامزدهای خاص عمل می‌کنند (اما در واقع اینگونه نیست) و از اختیار جمع‌آوری بی‌حد و حصر کمک‌های مالی برای مبارزات انتخاباتی برخوردارند. همچنین افراد «فوق‌ثروتمندی» مانند برادران چارلز و دیوید کوچ وجود دارند که شبکه محافظه‌کارشان تقریبا یک میلیارد دلار برای مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶ در نظر گرفته است. اما اتفاقی در حال وقوع است. چنین ولخرجی‌هایی واکنش عموم و حتی برخی سیاستمداران را برانگیخته است و آنها افشاگری‌های هرچه بیشتر در این زمینه را ضروری می‌دانند. همیشه جوک‌هایی درباره خرید نظام سیاسی آمریکا با پول رواج داشته و رأی‌دهندگان به این حقیقت واقفند که هر که پول بیشتری داشته باشد به‌طور اجتناب‌ناپذیری به این فرآیند راه پیدا می‌کند. سیاستمدارانی مانند اوباما، رئیس‌جمهور قول اقداماتی را داده‌اند اما پس از انتخاب هیچ اقدامی به‌عمل نیاوردند. اما این‌بار ممکن است یا همیشه متفاوت باشد. اول آنکه، رسانه‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای پول‌هایی را که صرف رقابت‌های انتخاباتی می‌شود، ردیابی می‌کنند و هیچ نامزدی نمی‌خواهد موضوع یکسری مقالاتی باشد که او را آلت دست برخی سودجویان پولدار جلوه دهد. دوم و مهم‌تر آنکه، مباحث بر سر پول‌های کلان در عرصه سیاست، بخشی از یک مساله مورد بحث در رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ است که به نابرابری اجتماعی فزاینده بین ثروتمندان و فقرا و این حس غالب مربوط می‌شود که نظام سیاسی آمریکا در جهت منافع ثروتمندان هدایت می‌شود. گفته می‌شود همه آرا با هم برابرند- اما نه آرای رأی‌دهندگانی که حاضرند میلیون‌ها دلار برای تاثیرگذاری بر نتیجه انتخابات صرف کنند- در عرصه سیاست مانند عرصه زندگی، چیزی به‌عنوان «ناهار مجانی» وجود ندارد. کمک‌کنندگان مالی بزرگ، تلویحا یا صراحتا، انتظار پاداش دارند، در غیر این‌صورت کسی نمی‌تواند هیچ انتظاری داشته باشد.

ایندیپندنت

طرح کورکر - کاردین اختلاف‌هایی به‌وجود آورده است

اختلافی عجیب بر سر طرح کورکر - کاردین که به کنگره امکان رای‌گیری درباره توافق هسته‌ای با ایران را می‌دهد در حال شکل‌گیری است. این طرح ماه گذشته [میلادی] به اتفاق آرا در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان تصویب شد. این مصالحه که «باب کورکر» رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان و «بن کاردین» از اعضای ارشد این کنگره آن را تدوین کرده‌اند، موجب تعدیل برخی مفاد در طرح قبلی کورکر شد. در حالی که دموکرات‌ها از این طرح حمایت می‌کنند، کاخ سفید شاید متوجه احتمال روی دادن اتفاقی بد شد و از مخالفت و تهدید به وتوی نسخه جدید طرح دست برداشت. با این حال، جمهوری‌خواهان تندرو در کنگره درصدد ایجاد اصلاحاتی در این طرح هستند که قطعا موجب وتوی آن می‌شود. این وظیفه به عهده سناتور «تام کاتن» جمهوری‌خواه از ایالت آرکانزاس است. کاتن قول داده است اصلاحاتی در این طرح صورت دهد که موافقت کنگره با هر گونه توافق هسته‌ای ایران را عملا غیرممکن می‌کند. چند نفر دیگر از سناتورهای جمهوری‌خواه نیز قول داده‌اند همین کار را انجام دهند. موضوع جالب اینکه، آیپک (کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل) از مصالحه کورکر - کاردین حمایت می‌کند. این گروه طرفدار اسرائیل احتمالا این طرح را گام نخست و خوبی برای از بین بردن توافق نهایی هسته‌ای می‌داند که از همان ابتدا مخالف آن بود. منطقی که وجود دارد، این است که اجرای طرح کورکر - کاردین زمینه را فراهم می‌کند و بعد آیپک تلاش خواهد کرد تعداد کافی از دموکرات‌ها را برای حمایت از موضع ضددیپلماسی این گروه جلب کند. این دموکرات‌ها، کنگره را وادار خواهند کرد در زمان مقتضی به توافق نهایی رای منفی بدهند.

پایگاه‌اینترنتی‌نیشن

ناصر حسینی
فائضه غفار حدادی
روایت پیشگامان پیشرفت موشکی ایران (۱)
قیمت کتاب: ۳۷۰۰۰ تومان
www.tapbook.ir

من خانواده‌ام را دوست دارم
خانواده
مسابقه بزرگ کتابخوانی
از ۲۲ بهمن ۹۳ تا ۳۱ اردیبهشت ۹۴
ketabzendegi.ir

توافق ردای یوسف نیست ...

نگاه امروز

ادامه از صفحه اول

حال به مطلع یادداشت بازگردیم و بررسی کنیم که چرا گزاره «توافق می‌شود یا نه؟» جای خود را به این گزاره داده است: «برفرض توافق هم خیلی نمی‌توان از آن انتظار معجزه داشت»؟! واقعیت آن است آنچه افکارعمومی را به این گزاره دوم رسانده، هم مشاهده هر روزه بدعهدی‌ها و خباثت‌های لاینقطع ۱+۵ بویژه رژیم منفور آمریکا بوده و هم مشاهده سلسله‌وار بی‌تدبیری‌های دولت. مردم این روزها از خود می‌پرسند «واقعا انتظار چه معجزه‌ای را می‌توان از توافق با رژیمی داشت که مهم‌ترین حامی داعش است؟»... یکی مثل سردار سلیمانی با داعش می‌جنگد که یکی مثل آقای ظریف از دل مذاکره با مهم‌ترین حامی داعش، مثلاً چه توافقی را برای ملت به ارمغان بیاورد و چه گلی به سر مملکت بزند؟!... به راستی با وجود این اوباما، این جان کری، این وندی شرمن، این نتانیاهو و این همه دروغ و دغل و بدعهدی و حرف متناقض و اتخاذ مواضع بسیار خصم‌آلودتر از قبل، گیرم هم که توافق بشود؛ اولاً تا یک ساعت آیا دوام خواهد داشت؟! ثانیاً بر فرض دوام، کدام گره را می‌خواهد بگشاید؟! این همه البته تنها یک روی سکه پرسش‌های ملت است. روی دیگر سکه، سؤالات افکار عمومی را فهرست‌وار در ادامه می‌نویسم:

- برفرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی درباره مسکن‌مهر از ابتدای این دولت تا همین الان، صدجور حرف متضاد زده می‌شود، لیکن هیچ کار درست و درمانی صورت نمی‌گیرد، توافق می‌خواهد مثلاً چه معجزه‌ای کند؟!
- بر فرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی درباره یارانه‌ها، هیچ سیاست منسجم و کارآمدی مشاهده نمی‌شود و حرف وزیر اقتصاد، حرف سخنگوی دولت را نقض می‌کند و حرف مسؤولی دیگر، هر دو حرف قبلی را، توافق می‌خواهد مثلا چه معجزه‌ای کند؟!
- برفرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی درباره معضل ریزگردها، سرکار خانم سبزپوش معتقد است همین هست که هست و مردم باید با این معضل کنار بیایند، توافق می‌خواهد مثلا چه معجزه‌ای کند؟!
- بر فرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی شعار افزایش احترام به پاسپورت ایرانی، یک روز خلاصه در ماجرای تاسفبار سفیر دائم ایران در سازمان ملل می‌شود و دگر روز محدود به آنچه در فرودگاه عربستان گذشت، توافق می‌خواهد مثلا چه معجزه‌ای کند؟!
- بر فرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی این آمار اقتصادی، آن آمار اقتصادی را نقض می‌کند و تورم و گرانی در روز روشن، «شیب ملایم» خوانده می‌شود، توافق می‌خواهد مثلا چه معجزه‌ای کند؟!
- بر فرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی در سیاست خارجه و درباره یک گزاره‌برگ، رئیس‌جمهور یک چیز می‌گوید، وزیر امور خارجه یک چیز دیگر می‌گوید، آقایان عراقچی و صالحی هم برای خودشان یک چیز دیگر، توافق می‌خواهد مثلا چه معجزه‌ای کند؟!
- بر فرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی درباره شعار انتخاباتی «افزایش اعتبار پول ملی» هیچ کار مشخصی انجام نمی‌گیرد و هیچ پاسخی هم از سوی آقایان داده نمی‌شود، توافق می‌خواهد مثلا چه معجزه‌ای کند؟!
- بر فرض توافق شود، توافق هم دوام داشته باشد و بخش قابل توجهی از تحریم‌ها هم رفع شود؛ وقتی مسؤولان به جای ارائه کارنامه در حوزه کاری خود، مرتب حرف غیر و غیرضرور می‌زنند و آنچه را که باید بگویند نمی‌گویند توافق می‌خواهد مثلا چه معجزه‌ای بکند؟!

... و عاقبت یک چیزی، بلکه یک چیزهایی هست که صرف‌نظر از آحاد مردم و جماعت منتقد، حتی فلان روزنامه مثلا اصلاح‌طلب هم برمی‌دارد در سرمقاله خود می‌نویسد: «بر فرض توافق هم خیلی نمی‌توان از آن انتظار معجزه داشت». آری! دولت باید نگاه خود را درست کند والا توافق یا کدخدایی که دیگر نیست، علاج هیچ مشکلی نیست. آمریکا اگر خیلی حلال مشکل بود، مشکلات کاخ سفید یا سیاهان آمریکایی را درست می‌کرد، بلکه پرزیدنت مودب و باهوش مجبور نشود در اظهارنظری زشت و عاری از ادب، سیاهپوستان آمریکا را «دزد» خطاب کند! من واقعا بنا ندارم در این یادداشت معضلات و گرفتاری‌های آمریکا را یکی‌یکی فهرست کنم اما خوب است آقایان توضیح دهند که توافق با مهم‌ترین حامی داعش، چه گلی می‌خواهد به سر مردم غیور ما بزند؟! دیروز در دیدار با معلمان، «حضرت آقا» ضمن بیان آنکه حل مشکل اقتصادی وابسته به رفع تحریم نیست، بازهم تاکید کردند نیاز آمریکا به مذاکره با ما، از نیاز ما به مذاکره با آنها بیشتر است. کاش بفهمند این موضع حکیمانه را! امروز در منطقه غرب آسیا، در این جغرافیای مقاومت، بعد از رژیم حرامزاده اسرائیل، منفورترین رژیم، رژیم آمریکاست. هرچقدر مردم منطقه، قاسم سلیمانی و سیدحسن نصرالله را محبوب می‌شمرند، از اعماق دل نفرت دارند از اوباما و جان کری. اگر ایستادگی جمهوری اسلامی کنار مردم مظلوم فلسطین و علیه دشمن صهیونیستی موجب محبوبیت ایران نزد ملل منطقه شده است، ایستادگی کاخ سفید کنار صدها کلاهک اتمی اسرائیل، جز این برای آمریکا سودی نداشته که بغض و کینه ملت‌ها را نسبت به خود انباشته‌تر کند. امروز هم ایستادگی ملت ایران کنار ملت مظلوم یمن، باعث فخر و اعتلای دوچندان نام جمهوری اسلامی شده است، همچنان که ایستادگی آمریکا کنار بمب‌افکن‌های سعودی، خشم جهانیان را از کاخ سفید مضاعف کرده است. خب! چه نظامی به مذاکره با چه نظامی احتیاج بیشتری دارد؟! اصلا صرف‌نظر از توافق، خود همین نشستن پای میز مذاکره، احتیاج کدام سوی میز است؟! برای کسانی که بنا به هر دلیل نمی‌توانند «توافق خوب» برای مردم‌شان بیاورند، کارهای دیگری غیر از دیپلماسی هم هست! «توافق» یوسف پیامبر نیست که روی زلیخای فرتوت بی‌تدبیری، ردایی به معجزه بیندازد.

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

از فانتزی رفراندوم تا فکت‌شیت محرمانه!

یادداشت امروز

ادامه از صفحه اول

مسیری که به واسطه بی‌انگیزگی طرف مقابل به حفظ چارچوب‌های محرمانگی تا همین بخش از کار نیز صدماتی جدی به اعتماد ملی به دولتمردان کشورمان وارد ساخته است. هر چند منتقدان تاکنون بسیار کوشیده‌اند تیم مذاکره‌کننده ایرانی را به پاسخ دادن به ادعاهای حریف درباره «عدم لغو تحریم‌ها» و «بازرسی از مراکز نظامی» و «نامحدود بودن پروسه راستی‌آزمایی»، مجاب کنند با انتشار گزاره‌برگ ایرانی، روایت خود را از توافق لوزان منتشر کنند اما متاسفانه به نظر می‌رسد دولت هنوز به اصل قدیمی «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» پایبند است.

نکته جالب توجه پایمردی عجیب دولت بر نامحرم نگاه داشتن مردم و نمایندگان مجلس در مسیر مذاکرات است در حالی که پیش از این خود رئیس‌جمهور روحانی به صراحت اعلام کرده بود در صورت لزوم، برای ادامه مسیر به «رفراندوم» و رای و نظر مردم متوسل خواهد شد! اما نکته اصلی این است که همان تیمی که مانور رسانه‌ای بر «رفراندوم هسته‌ای» را به‌عنوان نمادی تزئینی از موافقت مردم با نظر خود مجاز برمی‌شمرد هم‌اکنون از ارائه پاسخ به مردم با تکیه بر اصل مشکوک «محرمانگی مفاد توافقات»، خودداری می‌کند. آیا از ابتدا هم دولت، به فرض اختیار برگزاری رفراندوم، قرار بود بسته‌ای مهر و موم شده را به رای و نظر مردم بگذارد؟! مردم بناست با چه مفهوم هسته‌ای موافقت کنند؟ میان «تعطیلی برنامه هسته‌ای» و «ترمیم قهرمانانه به منظور به رسمیت شناخته شدن حقوق و برنامه هسته‌ای ایران» تفاوت بسیار زیادی وجود دارد!

اصل ماجرا این است که این بار خرج کردن دولت و موافقان «توافق بد هسته‌ای» از کیسه تحریم‌ها میسر نیست. فراموش نکنیم توافق ژنو به واسطه بدعهدی طرف مقابل با چه سرعت حیرت‌انگیزی رنگ باخت و حتی ۱۰ استاد دانشگاه نیز حاضر نشدند درخواست رئیس‌جمهور روحانی برای دفاع از این توافق ضعیف و نقض‌شده را اجابت کنند. این بار پای قول شخص رئیس دولت یازدهم برای «رفع یکباره تحریم‌ها»، «عدم صدور اجازه بازرسی‌های ویژه»، «حفظ ساختار برنامه هسته‌ای کشور» و «ادامه تحقیق و توسعه هسته‌ای» در میان است. آیا تیم مذاکره‌کننده کشورمان به فاصله بسیار زیاد قول‌های اعلام شده از سوی دولت ایران و ادعاهای دولت آمریکا درباره مفاد توافق نهایی واقف است؟ آیا تیم ایرانی گمان می‌کند مجلس شورای اسلامی مفاد «توافق هسته‌ای بد» را به رسمیت خواهد شناخت؟

مروری کوتاه بر جو عمومی جامعه سیاسی آمریکا نشان از آن دارد که هیچ آمادگی و عزمی برای عقد توافقی با مفاد مورد علاقه طرف ایرانی وجود ندارد و به همین جهت است که اوباما و تیم وی به صورت مکرر با افشای زوایای جدیدی از عقود توافق نهایی، درصدد پاسخگویی به مطالبات جامعه خود هستند. در چنین شرایطی ادامه سیاست طرف مذاکره‌کننده ایرانی با تاکید بر وجود «ابهامات جزئی در پرانتزها و کروشه‌های توافق نهایی» و یافتن «راه‌حل‌ها»، تنها به سنگین‌تر شدن توقعات مردم از دولت یازدهم منجر می‌شود. تن دادن به صبر استراتژیک همراه با اعتماد به وعده‌های شیرین دولت یازدهم درخصوص رفع یکباره همه تحریم‌ها و ایجاد رونق اقتصادی و به رسمیت شناخته شدن تمام حقوق هسته‌ای کشورمان در فضای جهانی، حقیقتا آسان است. خصوصا که رئیس‌جمهور محترم قول داده‌اند پس از رفع تحریم‌ها مشاغل بیشتری برای همه اقشار جامعه فراهم خواهد شد و کسب و کار به صورت ناگهانی رونقی روزافزون خواهد یافت. باید منتظر ماند و دید.

دفاع ابتکار از آیین‌نامه شکار مقامات خارجی

واکنش

ادامه از صفحه اول

۳- استاکر گروپ: یک آژانس شکار روسی است و عکس‌های هولناکی از شکار در ایران در تارنمای آن به چشم می‌خورد. در لیست گونه‌های قابل شکار این آژانس در ایران گونه‌های در معرض خطر انقراضی همچون قوچ لارستان، قوچ اوریال، قوچ قرمز، گراز وحشی اوراسیا که در اروپا و شمال آفریقا نسلش منقرض شده و مواردی همچون قوچ ارمنستان، قوچ اصفهان، بز کوهی کویری، آهو و... به چشم می‌خورد. گفتنی است اغلب گونه‌های ذکرشده، در سال‌های اخیر به علت بروز خشکسالی‌های بادوام، توسط خود سازمان در معرض خطر اعلام شده‌اند.

۴- کنسرسیوم شکار برتر: این دفتر خدمات شکار نشان ۴ ستاره از شکارچیان آمریکایی دریافت کرده و علاوه بر گونه‌های درمعرض خطر اشاره شده در لیست شکار استاکر گروپ، سرویس ویژه‌ای نیز به شکارچیان خارجی متقاضی شکار در ایران می‌دهد. در لیست «جواز ویژه شکار» این آژانس پلنگ آسیایی، گوزن زرد ایرانی، مارال (گوزن) و خرس قهوه‌ای ایرانی نیز دیده می‌شود! جالب اینجاست که همه موارد ذکر شده آشکارا در تارنمای آژانس مذکور موجود است و همان طور که در گزارش «وطن‌امروز» به آن اشاره شده بود هیچ پنهانکاری دیده نمی‌شود.

۵- آژانس سی اند اس فارل: یک آژانس خدمات شکار اسکاتلندی است که در لیست سرویس‌های ارائه شده به متقاضیان همچون سایر آژانس‌های شکار به وضوح ذکر شده که ارائه همه خدمات از جمله ترانسفر فرودگاهی، هتلینگ و کسب مجوزهای شکار و راهنما و اتومبیل را عهده‌دار است. در بخش آلبوم تصاویر این آژانس شکار، چهره راهنماهای محلی، عکس‌های یادگاری شکارچیان خارجی با گونه‌های در معرض خطر انقراض شکارشده و اقامتگاه‌های محلی به وضوح قابل مشاهده است. کما اینکه مرور چهره برخی شکارچیان خارجی حکایت از آن دارد که دیپلمات‌ها و مقامات خارجی، «شکار ویژه» از مسیر ارزان‌تر غیردیپلماتیک را ترجیح داده‌اند.

۶- چاینا هانت: در تارنمای این آژانس شکار در ایران، ذکر شده که براساس «مقررات دولتی»، شکار در ایران در قالب تور ۳ روزه ارائه می‌شود و اقامت اضافه به ازای هر روز هزینه‌ای معادل ۷۵۰ دلار در پی خواهد داشت. لیست قیمت گونه‌های ارائه شده در لیست شکار چاینا هانت، به شرح جدول درج‌شده در صفحه اول است.

آیا جایی برای خوش‌بینی به ادعاهای معصومه ابتکار درباره عدم صدور مجوز شکار تورهای خارجی در سال ۹۳ و صادر نشدن هرگونه پروانه شکار گونه‌های در معرض خطر انقراض باقی می‌ماند؟ حتی به فرض صدور یک پروانه شکار قوچ لارستان، قوچ اوریال و خرس قهوه‌ای برای آژانس‌های مذکور، چه سرنوشتی در انتظار سازمان محیط‌زیست ایران در شکل جدید و خطرناک‌تر «اداره شکاربانی ایران» است؟ «پول کثیف» حاصل از مجوزفروشی قابل بررسی مذکور، به فرض صحت ادعاهای آژانس‌های شکار، کجا خرج شده و براساس کدام مجوز ملی هزینه شده است؟ حقیقت این است که تخمین تعداد پروانه‌های شکار صادر شده توسط سازمان محیط‌زیست در طول ۲ سال گذشته با توجه به حجم بسیار بالای تصاویر به روز و جدید یادگاری شکارچیان تورهای مذکور با لاشه حیات‌وحش در حال انقراض ایرانی چندان دشوار نیست. ورود به‌موقع مجلس شورای اسلامی به این پرونده تکان‌دهنده و پیگیری طرح تحقیق و تفحص از سازمان به اصطلاح حافظ محیط‌زیست کمترین دغدغه فعالان محیط‌زیست و کشاورزان و دامداران ایرانی است که در بحبوحه خشکسالی و بی‌محصولی رنج ترک داوطلبانه شکار را با شکستن تفنگ‌های شکاری باستانی خود به جان خریدند تا حیات‌وحش ایرانی ماندگار بماند.